



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد ابرکوه

عنوان :

معاد

استاد :

آقای عزیزی

گردآورنده:

هادی دهقانی تفتی

زمستان ۸۲

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	بهشت
۶	خوردنی ها و آشامیدنی های بهشت
۹	کاخهای بهشت
۱۰	حوریان و زنان بهشتی
۱۲	نوشیدنیهای بهشت
۱۳	کرسیها و فرشها و ظرفهای بهشتی
۱۳	گلها و عطرها بهشتی
۱۴	روشنای در بهشت
۱۴	نعمت ها و لذتهای روحانیه
۱۶	دوزخ
۲۲	خوردنیها و آشامیدنی های جهنم
۲۵	لباس جهنمیان
۲۵	روی سیاه - غل و زنجیر
۲۶	موکلین جهنم
۳۲	عذابهای روحانی

معاد از ماده عود به معنی برگشتن است چون روح دوباره به بدن برگردانده می شود.  
معاد از اصول دین مقدس دین اسلام است و اعتقاد به آن واجب که هر کسی دوباره  
پس از مرگ زنده شود و به جزای عقیده و عملش می رسد.

مسئله معاد که ابتدایش مرگو قبر و سپس قیامت کبری و پایانش بهشت یا جهنم است  
با این حواس ظاهریه درک نمی شود هر چند اصل معاد به دلیل عقل ثابت است به  
تفصیلی که ذکر می شود لیکن محال است کسی به تنهایی سر در بیاورد که بعد از  
مرگ چه خبر است غیر از وحی راه دیگری ندارد. زیرا هر کس در عالم و مقامی است  
ادراکش از حدود آن عالم تجاوز نخواهد کرد مثلاً طفلی در عالم رحم است محال  
است چگونگی و بزرگی علم بیرون رحم را بفهمد و محال است بی پایانی فضا و  
موجودات آن را دریابد همچنین کسی که در عالم ملک است و اسیر ماده و طبیعت  
است چگونه می شود ملکوت را بفهمد که باطن عالم ملک است و جایگاهش پس از  
خلاصی از این عالم می باشد و خلاصه خصوصیات عوالم پس از مرگ نسبت به  
کسی که در عالم دنیا است غیب است و برای شناختن آن جز تصدیق آن چرا که  
حضرت آفریدگار خبر داده راهی نیست پس بنابراین اگر کسی بگوید از عقل ما دور  
است که پس از مرگ فلان طور شود اصلاً حرفش مورد قبول نیست چون خصوصیات

آن ربطی به عقل ندارد و جمیع عقلا آن چه را محمد (ص) و آل او فرموده اند هم

تصدیق می کنیم زیرا آن بزرگواران معصوم و محل نزول وحی حضرت آفریدگارند<sup>۱</sup>

بهشت<sup>۲</sup>

در آخرت جائی را پروردگار عالم خلق فرموده و ذخیره برای کسانی که با ایمان و تقوی

از اینجا بروند قرار داده است در این مهمانخانه انواع پذیراییها و اقسام نعمت ها و

لذتها که در خور بزرگی خداوندی و وسعت آن عالمست تدارک فرموده به طوری که

دانستن حقیقت و تفصیل آن برای اهل این عالم محال است و این مانند اطلاع یافتن

بچه ای که در رحم است از بزرگی و اوضاع و گزارشات دنیاست و لذا در قرآن مجید

مجملاً می فرماید. هیچکس نداند چه نعمتهای بزرگی که چشم آن ها را روشن می کند

برای ایشان ذخیره شده در برابر کردارهای نیک آنها<sup>۳</sup> و نسبت به نعمتهای بهشتی بیان

کلی می فرماید برای بهشتیان در بهشت آن چه را که بخواهند موجود است. و نزد ما

از آن چه که بخواهند زیادتر است<sup>۴</sup> و نیز در جای دیگر می فرماید (بهشتیان در آن چه

را بخواهند همیشگی خواهند بود)<sup>۵</sup>

خلاصه جایی است که در آن ناکامی و ناراحتی نیست اندوه و ضعف پیری و مرض و

خستگی و کسالت در آن جا راه ندارد سلامتی مطلق از هر آنجا است لذا نامش

دارالسلام می باشد سلطنت حقیقیه که عبارت از قدرت تامه است بطوری که هر چه بخواهد بشود برای بهشتیان است که (ان اهل الجته ملوک) و در سوره دهر می فرماید (زمانیکه بینی آن جا خواهی دید نعمت فراوان و سلطنت و پادشاهی بزرگ را)<sup>۶</sup> در این جا به پاره ای از نعمتهای بهشتی که در قرآن مجید است اشاره می شود.

بهشت را هشت در است و هر دری چیزی نوشته شده است و بر در اول نوشته:

(لا اله الا الله محمد رسول الله(ص) علی ولی الله لکل شی حیلہ حیلہ طیب العیش اربع خصال القناعه و ترک الحقد والحسد و مجالسه اهل الخیر).

یعنی نیست خدایی سزاوار پرستش الا خدای به حق و محمد فرستاده ی خداست و علی ولی خداست و هر چیزی را چاره ای هست و چاره ی خوشی چهار خصلت است قناعت و افکندن کینه از دل و حسد بیرون کردن و مجالست و محاصبت اهل خیر.

و بر در دوم از درهای بهشت نوشته:

(لا اله الا الله محمد رسول الله(ص) علی ولی الله لکل شی حیلہ وحیلہ السرور فی الاخره اربع خصال مسح راس الیتامی و التالف علی الارامل و السعی فی حاجه المسلمین و تفقد الفقراء و المساکین).

---

یعنی چاره خوشحالی در آخرت چهار چیز است دست از سر ترحم و مهربانی بر سر  
یتیمان مالیدن و مهربانی بیوه زنان و سعی نمودن در حاجت مومن و تفقد از فقراء  
ومساکین.

و بر در سوم از درهای بهشت نوشته:

(لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله لكل شىء حيله و حيله و حيله الصحه فى  
الدنيا اربع خصال قله الطعام و قله النوم و قله المتى و قله الكلام).

و بر در چهارم از درهای بهشت نوشته:

(لا اله الا الله محمد رسول الله على ولي الله من كان يومن بالله و اليوم الاخر فليكرم  
جاره و من كان يومن بالله و اليوم الاخر فليكرم ضيخه و من كان يومن بالله و اليوم  
الاخره فليبر بوالديه و من كان يومن بالله و اليوم الاخر فليقل خيراً و يسكت).

و بر در پنجم از درهای بهشت نوشته:

(لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) على ولي الله من اراد ان لا يذل و لا تذلل احداً و من  
اراد ان لا يشتم احداً و من اراد ان لا يظلم احداً و من اراد ان يتمسك بالعروه  
الوثقى فى الدنيا و الاخره فليتمسك بقول لا اله الا الله محمد رسول اله (ص) على ولي  
الله).

و بر در ششم از درهای بهشت نوشته:

(لا الا الله محمد رسول الله (ص) على ولي الله من احب ان يكون قبره واسعاً فليظنر  
فى المساجد و من احب ان لا ياكله دود فى الارض فليانس المساجد).

يعنى هر كسى كه دوست داشته باشد كه قبر او و وسيع و فراخ باشد پس بايد كه  
پاكيزه گرداند مساجد را و هر كسى كه بخواهد نخورد بدن او را كرم زمين پس بايد كه  
انس گيرد با مسجدها.

و بر در هفتم از درهاى بهشت نوشته:

(لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) على ولي الله بيا من القلب فى اربع خصال فى  
عياده المريض و اتباع الجنائز و شرى اكفان الموتى و رفع القرض).

و بر در هشتم از درهاى بهشت نوشته:

(لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) على ولي الله من اراد دخول من هذه الابواب  
الثمانية فليتمسك باربع خصال بصدق و سخاء و حسن الاخلاق و كف الاذى من  
عباد الله).

حضرت رسول (ص) در وصيت خود به اميرالمومنين (ع) فرمود كه يا على خلق كرده  
است حق تعالى بهشت را خشتى از طلا و خشتى از نقره ديوارهاى آن از ياقوت است  
و سقفهاى آن از زبرجد و سنگ ريزه اش از لولو و خاكش از زعفران و مشك از  
فراست چون آفريد فرمود به بهشت حرف بزن گفت:

(لااله الا الله الهی القیوم فقدسہ من یدخلنی) پس حقتعالی فرمود به عزت و جلال خودم که در نمی آورم در تو شرابخور و سخنجین ومخنث و شرطی و نباش را و کسی که قطع رحم کند و حقتعالی در کلام خود وصف جنت نموده (و جتته عرضها كعرض السماء)<sup>۷</sup> در تفسیر کبیر در بیان این آیه کریمه آورده که اگر آسمان ها و زمین ها را حقتعالی طبق سازد به حیثیتی که هر یکی از این طبقات مانند پوست پیاز شود با وجود آن ضخامت هر آسمان پانصد ساله راه است و همه طبقه ها به یکدیگر بچسبند عرض بهشت باشد و تخصیص اهل بهشت آن است که طول آن در فهم بشریت نگنجد.<sup>۸</sup>

در خبر است که جبرئیل (ع) اراده نمود که طول بهشت را بداند. سی هزار سال پدید ضعیف شد از حقتعالی مدد خواست و دیگر سی هزار سال پدید با این که در هر پدیدنی از شرق تا مغرب می پرید پس مناجات کرده که خداوندا بیشتر بهشت را طی کرده ام یا گذاشته ام حوری در قصر آواز داد که یا روح الله چرا زحمت می کشی و خود را می رنجانی به خدا که در این مدت که طیران می کنی هنوز از ملک من بیرون نرفته ای جبرئیل گفت: تو کیستی. گفت: من حوری ام از حوریان بهشت که مخلوق شده ام از برای مومنی از مومنان بهشت.<sup>۹</sup>

خوردنیها و آشامیدنیهای بهشت

---



(مثل و الجنة التي وعده المتقون فيها انهار من ماء غير اسن و انهار من لبن لم يتغير و انهار من خمر لذه للشار بين و انهار من عسل مصفى)<sup>۱۰</sup> یعنی مثل و قصد بهشت وعده کرده شده اند پرهیزگاران.

در آنست نهرها از آب غیر متغیراللون و طعم یعنی رنگ و بو و طعم آن متغیر نشده و نهرها از شیر که لذیذ و خوشگوار است و از کراهیت بوی منزه است و نهرها از شراب که از مستی و خمار و صلاح مبراست و جوی ها از شهد صاف کرده شده و از موم و سایر فضولات بر خلاف عسل دنیا.

و نیز در بهشت چشمه های متعددی است که هر یک از خاصیت و حلاوت به خصوصی است و به اسم مناسب آن نامیده می شود مانند چشمه های کافوریه، رنجبلیه، سلسبیل، تسنیم و از همه مهمتر نهر کوثر است که از زیر عرض الهی جاری می شود از شیر سفیدتر از عسل شیرینتر از کره نرمتر، سنگریزه اش زبرجد و یاقوت و مرجان است و گیاهش زعفران و خاکش خوشبوتر از مشک می باشد و مستناد از اخبار آن است که از زیر عرض جاری و در بهشت به صورت نهری است.<sup>۱۱</sup>

از اموری که مسلم است و در قرآن مجید بدان تصریح شده و روایات عامه و خاصه هم بر طبق آنداریم حوض کوثر است «خیر کوثری که خدای تعالی به محمد(ص) مرحمت فرموده است) طول این حوض از صناء تا بصره است و به عدد ستارگان

آسمان جام در اطرافش می باشد که به دست حورالعین پر می شود و به مومنین داده می شود.

جامها مختلف است بعضی از نقره بهشتی و برخی از بلور است.

ظاهر بعضی روایات این است که این حوض سه قسمت است (انهار من خمر لذه

للشربین و انهار من لبن لم یتغیر طعمه و انهار من عسل مصفی)<sup>۱۲</sup>

از شراب بهشتی و شیر و عسل می باشد بعضی هم فرموده اند که قدر مسلم آنستکه

حوض محمد(ص) از عسل شیرینتر از برف خنکتر است به به از چنین حوضی که

شرابش گواراست هرگز پس از آن تشنگی نمی آید شیخ شوشتری در خصائص و

دیگران هم در کتابهای خود ذکر کرده اند که حوض کوثر سقائیش بامحمد(ص) و

علی (ع) است و هر مومنی از آن خواهد چشید.

امام حسینی ها یک خصوصیت دیگری به حوض کوثر دارند که حضرت صادق(ع)

می فرماید ((وانالکوثر لاشد فرحالباک الحسین(ع)) دیگران وقتی به حوض کوثر می

رسند شاد می شوند امام می فرماید گریه کنندگان بر حسین وقتی که به حوض کوثر

می آید حوض کوثر شاد می شود.

---

رسول خدا (ص) فرمود که خدای تعالی اطراف این حوض هزار هزار درخت فرموده که هر درختی سیصد و شصت شاخه و برگ دارد و از هر برگی نغمه ای بر می خیزد که از دیگری شنیده نمی شود.<sup>۱۳</sup>

(و فاکهه ممایتخیرون و لهم طیرممايشتهون)<sup>۱۴</sup> یعنی و میوه ها از آن چه که اختیار کنند و برگزینند و گوشت مرغ که بهترین گوشت ها است از آن چه بخواهند بروجیه که بریان نکرده باشد یا نوع دیگر که بخواهند مروری است که هر گاه اهل بهشت میل گوشت مرغ کنند حق تعالی مرغی را که خاطرخواه ایشان باشد فی الحال نزد ایشان توجه دهد که آرزوی ایشان باشد حاضر کنند و نیز روایت شده که چون مرغی بر بالای سرایشان پرواز کند و ایشان آرزوی گوشت آن کرده گویند (سبحانک اللهم) فی الحال پرها از آن مرغ جدا شده بریان شده پیش دست ایشان افتاده تناول نمایند گویند (الحمد لله رب العالمین) درحال استخوانهای مرغ گوشت پیداه کرده پرواز کند همچنانکه اول بار بوده و در بعضی تفاسیر معتبره مذکور است مثل مجمع البیان از حضرت باقر(ع) مروی است که فرموده به بهشت نرود مگر کسی که اهل بیت را شناسد و محبت ایشان دارد و به دوزخ نرود مگر کسی که مرتبه ایشان را شناسد و منکر امامت و ولایت ایشان باشد.

کاخهای بهشت

---

از حضرت امیرالمومنین و از حضرت رسالت (ص) منقول است که غرفه های بهشت از غرفه ای تا غرفه ای چندان باشد که میان صنعا و شام و نور آن غرفه بر وجهی درخشنده باشد که میان مشرق و مغرب از آن پر شود و بر هر غرفه هفتاد در باشد از طلا و بر هر دری پرده ای از طلا آویخته در هر غرفه هفتاد خیمه و در هر خیمه هفتاد خشت از طلا پایه های آن از زبرجد موصل به زمرد و هر تختی هفتاد بستر و هر بستری چهل گز باشد که بر هر یک از آن حوری از حورالعین نشسته که زوجه آن باشد و هر یکی را هفتاد هزار کنیزک باشد و هفتاد هزار غلام با روهای چون ماه و تاجهای زر و لولو و برگردنها مندیلهها فرو گذاشته و بردوش افکنده و بر کوزه ها و ابریهای شراب در دست گرفته و این کرامتها برای مجاهدان در راه خدا باشد.

و در بعضی از تفاسیر معتبره مروی است که حق تعالی به اهل بهشت خطاب کند که ای اصحاب بهشت از من راضی شدید گویند بار خدایا بهتر از این نعم بهشت چه خواهد بود گوید خشنودیمن بر وجهی است که هرگز خشم نگیرم به شما و در آثار آمده که در بهشت چند چیز بهتر است از بهشت یکی رضای خدا دوم خلود در نعم بهشت سوم همسایگی محمد و آل محمد (ص) و از حضرت رسالت (ص) مروی است که کوشکی است در بهشت از لولو و در آن هفتاد سرای است از یاقوتسرخ و در هر سرایی هفتاد خانه از زمرد و در هر خانه هفتاد سریر و بر هر سریری هفتاد هزار بستر از الوان متنوعه و در بستری جفتی از حورالعین نشسته و در هر خانه هفتاد خان

نهاده و درهر خانی هفتاد لون طعام نهاده و حق تعالی بنده مومن را چندان قوت طعام و جماع دهد که یکبامداد از همه طعامها حوریها محفوظ شود و این کوشک به صفت در بهشتهای عدن باشد.

از حضرت امیر المومنین (ع) مروی است که زیاده غرفه ای است در بهشت که از یک دانه مروارید مخلوق شده و آن را چهار در است.<sup>۱۵</sup>

در چند جای جای قرآن می فرماید (خدا شما را بوستانهایی که از زیر عمارات آن جاری می شود جوی ها و مسکن های پاکیزه و بوستانهایی که برای شما همیشگی است.<sup>۱۶</sup>

در سوره زمر می فرماید: بهشتیان را غرفه هایی است که از بالای آن غرفه هایی بنا گردیده شده است از زیر آن جویهای روان جاری است.<sup>۱۷</sup>

حوریان و زنان بهشتی

چون اعظم نعمتهای جسمانی در بهشت حوریان هستند لذا در قرآن مجید زیاد ذکر آنها شده و علت اینکه به این نام خوانده می شوند این است که حور به معنی سفید اندام و عین به معنی گشاده چشم هر دو در ایشان موجود می باشد یا اینکه سفید چشم آنها در نهایت سفید و سیاهی و صفا طراوت است و ممکن است وجه تسمیه

---

آنها به این نام این باشد که چشمها از دیدن جمال ایشان حیران و مبهوت (به اصطلاح سفید) می شود.

در سوره واقعه میفرماید: (و حور العين كامثال اللولو المكنون)<sup>۱۸</sup>

یعنی حوریان مانند مروارید پوشیده شده در صدف اند که غباری بر آن ننشسته و دستگیر به او نرسیده است.

و از رسول (ص) مروی است که در بهشت نوری پدیدار شود بهشتیان گویند چه نوری است گویند این از روشنایی دندان حوری است که بر روی شوهرش خندیده است.

و نیز می فرماید (آنا انشانهن انشاء فجعلنهن ابکارا)<sup>۱۹</sup> ما حوریان را ابتداء (بی سبب پدر و مادر) آفریدیم و ایشانرا دوشیزه قرار دادیم.

(عرباً انرابا) دوستان و عاشقان شوهران خود هستند با ناز و کرشمه و شیرین سخنی و

همگی همسن که در سن ۱۶ سالگی باشند چنانچه مردان بهستی به سن ۳۳ سالگی

هستند و در سوره الرحمن می فرماید (فیهن قاصرات اطرف..)<sup>۲۰</sup> یعنی در بوستانهای

بهشت حوریانی هستند که چشم فرو هشته اند از نگاه به غیر شوهران خود و به ایشان

دست درازی نکرده باشد قبل از بهشتیان کسی از انس و جن.

گوئیا ایشان از یاقوتند در سرخی و مرجاند در روشنایی و سفیدی.

و مروی است که حوری ای که هفتاد حله پوشیده باشد مغز ساق او در پس آن حله ها دیده می شود مانند رشته سفید از ورای یاقوت.

و در سوره البقره میفرماید (و لهم فیها ازواج مطهره هم فیها خالدون)<sup>۲۱</sup>

یعنی برای صاحبان ایمان عمل صالح در بهشت زنهایی است که از هر حیث پاک و پاکیزه اند از آن جمله حائض نمیشوند بلکه از هر کثافتی و نجاستی دورند و نیز تکبر و خودستائی نمی کنند و بر یکدیگر غیرت نمی ورزند.

و مروی است که بر بازوی چپ (الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن) و بر بازوی راست (الحمد لله الذی صدقنا وعده) نوشته شده است.

و از رسول خدا (ص) مروی است که ضمن حدیث مضلیکه فرمود خداوند حوری را خلق کرده که بر گونه راست او نوشته شده (محمد رسول الله) بر گونه چپ (علی ولی الله) و بر پیشانی (الحسن) و بر ذقن او (الحسین) و بر دو لب او (بسم الله الرحمن الرحیم).

پوشیدنیهای بهشت

در سوره ی کهف می فرماید «زینت کرده شوند بهشتیان در بهشت از دستبندهای ساخته شده از طلا و می پوشند جامه های سبز از سندس و استبرق»<sup>۲۲</sup>

و در جای دیگر می فرماید «لباس بهشتیان از ابریشم است»<sup>۲۳</sup>

از رسول خدا مروی است که چون مومن به قصر خود در بهشت رود بر سرش تاج کرامت نهند و هفتاد حله برنگهای گوناگون که به جواهرات بهشتی بافته شده باشند به او بپوشانند و نیز فرمود که اگر یکی از لباس های بهشتی را در این عالم بیاورند اهل دنیا طاقت دیدنشان را ندارند و از حضرت صادق(ع) مرویست که خدای را در هر روز جمعه نسبت به مومنین در بهشت کرامتی است که می فرستد ملک را خلعت حله پس مومن یکی از آن ها را بر کمر بندد و دیگر را بر دوش افکند و بر هر چه بگذرد از نور آن حله ها روشن می گردد.

کرسیها و فرشها و ظرفهای بهشتی<sup>۲۴</sup>

«بهشتیان بر تختهای بهشتی تکیه زندگانند ثواب و جزای نیکوئیست» و در سوره واقعه می فرماید «علی سرر موضونه»<sup>۲۵</sup> بر تختها و کرسیهاییکه که از مفتول طلا بافته شده و مزین به جواهرات است نشسته باشند و در سوره الرحمن می فرماید «تکیه زندگانند بر فرشهاییکه آستر آن آنها از استجرق است»<sup>۲۶</sup>

و مجملاً در قرآن مجید بر انواع لباس ها و فرشهای بهشتی اسامی چندی ذکر شده مانند استجرق و حریر، رفر، نمارق و رزابی که حقیقت آن دیدنی است نه گفتنی و شنیدنی



## گلها و عطرهاى بهشتی<sup>۲۷</sup>

در سوره الرحمن مى فرماید برای کسیکه بترسد از ایستادن نزد پروردگارش دو بوستان است که دارای جمیع فنون و اقسام میوه ها و گیاهها و گلها است<sup>۲۸</sup> و مجلسی از رسول خدا (ص) نقل کرده است که اگر زنی از زنان بهشت در شب تار از آسمان اول مشرف به زمین شود بوی خوش او به مشام جمیع اهل زمین برسد.

## روشنایی در بهشت<sup>۲۹</sup>

در سوره دهر مى فرماید «لایرون فیلها شمساً و لازمهریرا» بهشتیان در بهشت آفتاب و گرمای آنرا نمی بینند و همچنین سرما را یعنی در هوای معتدل هستند و احتیاجی به آفتاب و روشنایی آن ندارند بلکه همان نور ایمان و عمل صالح ایشانرا بس است. چنانچه گذشت مروری است که نور حوریان بر نور آفتاب غالب است بلکه روایات کثیره اینطور استفاده می شود که هر که و هر چه در بهشت است حتی لباس و فرش و ظرف تماماً نورافشانی می کنند.

## نعمتها و لذتهای روحانیه<sup>۳۰</sup>

نعمت های روحانیه هم در بهشت انواع متعددی دارد که ادراک آن از عقول ما خارج است از آنجمله پرده از جلو چشم ادراک برخاسته می شود یعنی آن چه را که در دنیا

---

آرزوی او بود می رسد خصوصاً معرفت و لقاء محمد(ص) و آل در تفسیر صافی  
ضمن آیه «واقبل بعضهم علی بعض یتسائلون» می نویسد یعنی «عن المعارف و  
الفضائل» بهشتیان معارف الهیه و فضائل محمدیه (ص) را با یکدیگر مذاکره می کنند.  
از آن جمله است که انواع تکریمها و تعظیمهای الهیه مانند اینکه هر خود بهشتی پدر و  
مادر و همسر و اولادش را اگر صلاحیت دخول بهشت را داشت باشند آن ها را  
شفاعت کرده و پهلوی خود می برند.

و نیز پس از استقرار در بهشت هزار ملک مامور می شوند که برای تهنیت و مبارکباد  
کبادی وارد می شود و بر او سلام می کند و مبارکباد می گویند.

و در تفسیر منهج از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول خدا (ص) فرمود چون  
بهشتیان در نعمتهای بهشت مستغرق باشند ناگاه نوری بر ایشان ساطع گردد و از آن  
آوازی آید که (السلام علیکم یا اهل الجنة) و از اینجاست که گفته شده آنچه در دنیا  
نصیب پیغمبران خدا بوده که از آن جمله گفتگو با پروردگار عالم است در آخرت  
نصیب بهشتیان می گردد.

در جلد ۲ بحارالانوار احادیث مفصله ای است در کیفیت تجلیات انوار الهیه برای  
بهشتیان که از آن جمله مقام رضوان است که در قرآن مجید تذکر فرموده<sup>۳۱</sup>

---

و از آن جمله است نعمت همسایگی و اتصال بمحمد(ص) و آل چنانچه فرمود یا علی  
(ع) شیعیان تو بر منبرهایی از نور با رویهایی سفید اطراف منند و ایشان همسایگان من  
هستند در بهشت.

از نعمت های روحانیه آن است که با انبیاء و صلحا و مومنین تلاقی می کند چنانچه در  
قرآن می فرماید «علی سرر متقابلین» و مروی است که هر روزی در بهشت بزیارت و  
ملاقات یکی از پیغمبران اولوالعزم حاضر می شوند و آنروز را میهمان آن بزرگوار  
هستند پنجشنبه ها میهمان خاتم الانبیاء(ص) می باشند و جمعه ها بمقام قرب حضرت  
احدیث جل و علی دعوت می شوند.

#### دوزخ

در صفت دوزخ و اهل آن بدان که آنچنانکه حق تعالی بهشت را از حمایت خود خلق  
کرده دوزخ را از خشم و غضب خود آفریده و آن را هفت در است هر دردی از  
گروهی از گمراهان است که قمست کرده شده و آن را هفت طبقه است (چنانچه از  
حضرت امیرالمومنین (ع) رسیده است بدین قرار است:

اسفل در کات آن جهنم است و فوق آن لظى و فوق آن حطمه آن سقر و فوق آن  
جحیم و فوق آن سعید و فوق آن هاویه می باشد و البته عذاب های این طبقات  
متفاوت خواهد بود)<sup>۳۲</sup>.

طبقه اول جهنم (وان جهنم لموعدهم اجمعین)<sup>۳۳</sup> این آیه در باب پیروان شیطان و منافقان است و این طبقه طبقه ی اول است و جای گناه کاران از اهل توحید است.

مروی است که رسول خدا (ص) در مسجد نماز می کرد وزن اعرابیه می گذاشت اقتدار آن حضرت کرد و چون رسول (ص) به این آیه رسید که (لهاسبه ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم<sup>۳۴</sup>) آن زن نعره زد و بیهوش شد و رسول خدا بعد از نماز فرمود تا آب بر روی او زدند چون به خود آمد گفت: واویلا هر عضوی را از من منقسم خواهند کرد از برای دری از درهای دوزخ حضرت فرمودند چنان است بلکه مراد آن است همه فرقه مکلفان را بر هر دردی از درهای دوزخ عذاب کنند گفت یا رسول الله، مرا هفت بنده است که بغیر از این چیز دیگری ندارم. ترا گواه گرفته و همه را آزاد کردم. هر یکی را برای خلاصی دری از درهای دوزخ. جبرئیل (ع) نازل شد گفت یا رسول الله بشارت باد به این ضعیفه که حق تعالی همه درهای دوزخ را بر او حرام گردانیده و درهای بهشت را برای او گشاده کرد<sup>۳۵</sup>

از ظاهر آیات شریفه معلوم می شود که آتش جهنم برخلاف آتش دنیا دارای ادراک و شعور است. چنانچه می فرماید روزی که به جهنم می گوئیم ایا پر شدی از اهل

---

سوره ۱۵، آیه ۴۳.

سوره ۱۵، آیه ۴۴.

از کتاب تاریخ انبیاء و قصص القرآن از ص ۴۶۵.

عذاب؟ پس در جواب می گوید آیا باز هم اهل عذاب هستند؟ یعنی مراهم گنجایش و هم اشتیاق بزیادتی است.<sup>۳۶</sup>

و نیز آتش جهنم اهل عذاب را می شناسد و به آنها حمله می کند و جاذبه دارد و نعره زننده است. چنانچه می فرماید (چون بیند آتش جهنم ایشان را از جایی دور، از آن آتش آواز جوشیدن از زیادی خشم و غریدن بشنوند.<sup>۳۷</sup>

طبقه دوم لظی گویند (نزاعه للشوی)<sup>۳۸</sup> را یعنی که آتش دوزخ را از زبانه ای است خالص که هیچ چیز با او نیست. تا موجب کثره مشقت و مرادت او شود آنزجانه خالص که هیچ چیز با او نیست تا موجب کثره مشقت و مرارت او شود. آنزجانه خالص در حالی که نزع کننده است گوشت و پوست دست و پای کافران را مروری است که هرگاه گوشت و پوست روید فی الحال آتش آن را بگدازد و این طبقه ثانیه جای ترس یا نست و به قولی جای جهودان.<sup>۳۹</sup>

طبقه‌ی سیم را حطمه می گویند (کلالینبدن فی الحطمه و ما ادریک ما الحطمه<sup>۴۰</sup>) این درباره اخذس بن قیس بن فضل آمده جابر ابی خلف و اخنس بجمع مال و غیبت رسول ذوالجلال مشغول بود و او را عقیده آن که او او را همیشه در دنیا مخلد خواهد

---

از کتاب معاد، آیت الله دستغیب. ص ۱۵۳.

از کتاب معاد، آیت الله دستغیب. ص ۱۵۳ و ص ۱۵۴.

از کتاب تاریخ انبیاء و قصص القرآن، ص ۴۶۵.

سوره‌ی ۱۰۴، آیه‌ی ۵ و ۴.

ساخت و به سوی کثرت مال دنیا کمر عداوت با حضرت بسته و بعناد و استکبار میافزود و معنی آیه شریفه یعنی نه چنین است آن چه پندارد او در تخلید مال او در دنیا حقاً هر آینه انداخته شود. در حطمه یعنی در آتش (نار الله الموقده التي تطلع علی الافئده)<sup>۴۱</sup> یعنی آتش خدا ایست که برافروخته شده چنانکه برآید و غالب شود بر دلها بر همه اعضا و اطراف در گذرد و میان دل درآید به درستی که آن آتش بر کافران فرو بسته شده و این طبقه ثالثه جای فرعونیان است. یعنی جمع کنندگان مال به حرام و به قولی جای جهودان.

طبقه‌ی چهارم و سقر خوانند که (ساطیه سقر و ما ادریک ماسقر)<sup>۴۲</sup> این آیه در باب ولید بن مقیده نازل شده که در افکنند ولید را به سقر این طبقه اربعه جای گبرانست و در بعضی از تفاسیر این را طبقه‌ی پنجم شمرده اند.

طبقه‌ی پنجم را سعید خوانند (اما من اوتی کتابه وراء ظهره فسوف یدعو ثوراً و یصلی سعیراً)<sup>۴۳</sup> یعنی آنکه داده شود نامه کردار او از پس پشت او به دست چپ او و آنچنان بود که دست او را بر گردن بندند و دست چپ او را از سر او بیرون آورند و از آن طرف نامه بر دست وی نهند و گویند بخوان گوید چگونه از پس پشت خود بخواند پس گردن او را بازپس شکنند. تا نامه خود را بخواند تاریک و سیاه و عاجز و متحیر

---

سوره‌ی ۱۰۴، آیه‌ی ۷.

سوره‌ی ۷۴، آیه‌ی ۲۷ و ۲۶.

سوره‌ی ۸۴، آیه‌ی ۱۰.

شود از خواندن آن. پس زود باشد که بخواند یعنی تمنای هلاکت خود کند و درآید با  
آتش افروخته و این طبقه‌ی خامسه جای صابیان است و ناصیان طبقه‌ی ششم را  
جحیم گویند (ثم ان مرجعهم لالی الجحیم)<sup>۴۴</sup> یعنی به درستی که بازگشت مشرکان به  
سوی دوزخ سوزان است که محل مشرکان است.

طبقه‌ی هفتم هاویه است که او را در ک الاسفل گویند (خامه هاویه)<sup>۴۵</sup> و این جای  
کسی است که اعمال حسنه نداشته باشد یا سیئات او بر حسنات غالب باشد. قوله  
تعالی (واما من خفت موازینه خامه هاویه)<sup>۴۶</sup> و هاویه آن است که گرمی و سوزش او  
به غایت رسیده- مروی است که عمق هاویه بر وجهی است که چون اهل دوزخ را بر  
آن اندازند. خریف به عقد آن نرسد و بلاشک هاویه ماوای یزید بن معاویه است و در  
روایت آمده که حق تعالی در دوزخ ماران آفریده هر یک به قدر شتری که بقدی باشد  
که هر که را زخمی بزنند هفتاد سال بماند و حق تعالی فرشتگان را موکل آن گردانیده  
که اگر یکی انگشت بر آسمان و زمین زنند پاره پاره گردد و بعضی عمودها دارند که  
بر سر دوزخیان زنند.

و در بعضی از اخبار روایت شده که طبقات جهنم هفت است طبقه‌ی اولی جحیم  
است. که نگاه داشته می شود و این طبقات در پرده های آتش تا اینکه می جوشد مخ  
سرهای ایشان مثل غزغانچه و طبقه‌ی دوم لظی است و این مقام آن است که از حق

---

سوره ی ۳۷ ، آیه ی ۶۸ .

سوره ی ۱۰۱ و آیه ی ۸ .

سوره ی ۱۰۴ ، آیه ی ۷ ، ۶ .

نکول کنند و تابع هوای نفس خود شوند. و جمع کنند دنیا را خز این راه و حقوق خدا را بیرون نکنند از آنها و طبقه ی سیم سقر است چنانچه حق تعالی می فرماید (ساطیه سقر)<sup>۴۷</sup> و طبقه ی چهارم حطمه است چنان که حق تعالی در قرآن فرموده<sup>۴۸</sup> و طبقه ی پنجم هاویه است چنان که در قرآن فرموده<sup>۴۹</sup> و طبقه ی ششم سعیر است و در آن سیصد سرا پرده از آتش و در آن خانها زنجیر ها و غلها است از آتش که مهیا شده است. برای اهل این طبقه و طبقه ی هفتم جهنم است و در آن است فلق چنانچه خدای عز و جل فرموده (قل اعوذ و برب الفلق)<sup>۵۰</sup> و آن چاهیست در جهنم وقتی که در آن را بگشایند و مشتعل می گردد جهنم و این طبقه اخس و ادنی از سایر طبقات است و صعود کوهیست در جهنم که واقع شده است در وسط جهنم و ائام نهری ایست از آتش در جهنم که می گردد در اطراف این کوه به درستی که این موضع اخس و ادنای مواضع است از طبقات جهنم و نیز فرموده به درستی که در سقر هر آینه و ادیست که آن را سقر می گویند که هرگز نفس نکشیده است از آن وقت که خلق شده و اگر نفس بکشد بقدر سوراخ سوزنی هرآیند می سوزد و جمیع آن چه در روی زمین است به درستی که اهل جهنم پناه می برند.

---

سوره ی ۷۴ ، آیه ی ۲۶ .

سوره ی ۱۰۴ ، آیه ی ۷ و ۶ .

سوره ی ۱۰۱ ، آیه ی ۸ و ۹ .



از حرارت این وادی از تعفن آن و کثافت آن و در این لوه شعب و دره ها است که پناه می برند. بخدا از حرارت آن شعب و دره ها از کثافت و حرارت آن ها و در این شعب چاه ها است که اهل آن شعب پناه می برند. به خدا از حرارت آن چاه ها و کثافتات آن ها و در آن چاه ماری است که اهل آن چاه پناه می برند به خدا از این مار و در شکم این مار هفت صندوق است و در آن صندوق ها جای پنج نفر از پیشینیان و دو نفر از پسینیان قابیل و نمرود و فرعون و یهودا که یهودی ساخت یهودان را و بولس که نصاری ساخت نصار انصاری کرده و آن دو نفر عربیست که ایمان نیاورندند به خدا و رسول او که شیوییه و سینیویه باشند.<sup>۵۱</sup>

### خوردنی ها و آشامیدنی های جهنم<sup>۵۲</sup>

(ثم انکم آیها الضالون المکذبون لالکون من شجر من زقوم)<sup>۵۳</sup>

یعنی پس به درستی که شما ای گمراهان از طریق حق که به قیامت تکذیب کننده اید هر آینه خورندگان از درختی که در قوم خواهد بود (فمائلون ممنه البطون)<sup>۵۴</sup> پس پر کنندگان شکم هایتان باشید از قوم به واسطه شدت گرسنگی (فشاربون علیه من

---

از کتاب تاریخ انبیاء و قصص القرآن از ص ۴۶۴ تا ۴۶۷.

از کتاب معاد آیت الله دستغیب ص ۱۴۹ تا ۱۵۱.

سوره ی ۵۶ ، آیه ی ۵۲ .

سوره ی ۵۶ ، آیه ی ۵۲ .

الحميم)<sup>۵۵</sup> آشامندگان باشید بر بالای آنچه از قوم خوردید از آبی در نهایت گرمی (به سبب زیادی تشنگی)

در خبر است که عذاب گرسنگی را به دوزخیان مسلط می کنند تا به ناچار شکم های خود را از قوم پر سازند پس از آن تشنگی را چنان بر آن ها چیره می کنند و حمیم را بر ایشان عرضه می سازند که بسیار از آن می آشامند (فسقوا ماء حمیماً فقطع امعائهم)<sup>۵۶</sup> به قسمی گرم است که اندرون آن ها را ریزه ریزه می کند و مروی است که اگر قطره ای از آن بر کوههای دنیا بریزند آن ها را متلاشی می سازند.

(فشاربون شرب الهیم)<sup>۵۷</sup> یعنی آشامندگان باشید از حمیم مانند آشامیدن شتران بسیار تشنه مدت ها آب ندیده.

(هذا نزاهم یوم الدین)<sup>۵۸</sup> این زقوم و حمیم پیشکش ایشان است. در روز جزا عذاب ابتدائی و مقدماتی است و اما آن چه برای آن ها تدارک شده از انواع خوردنی ها و آشامیدنی های سخت پس قابل شرح و بیان نیست.

(ان شجره الزقوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطن کغلی الحمیم)<sup>۵۹</sup> یعنی به درستی که درخت زقوم میوه و برگ آن خوراک کسی است که بسیار گناهکار است و گفته شده که مراد کافر معاند است و زقوم مانند چیزی است که به آتش گداخته شده باشد

---

سوره ی ۵۶ ، آیه ی ۵۲ .

سوره ی ۴۷ آیه ی ۱۵ .

سوره ی ۵۶ ، آیه ی ۵۶ .

سوره ی ۵۶ ، آیه ی ۵۶ .

سوره ی ۴۴ آیه ی ۴۳ ، ۴۵ ، ۳۴ .

چون مس و روی و گفته شده که (مهل) روغن زیت جوش آمده است. زقوم در شکم های کفار مانند آبی که بی نهایت گرم شده باشد می جوشد یا مثل روغن زیت که حرارت زیاد ببیند و از همان آب جوش بر سر آن ها می ریزند تا ظاهر و باطن آن ها را بگذارد.

(یصب من فوق روسهم الحمیم<sup>۶۰</sup>) و نیز می فرماید (ان لدنیا انکالا و جحیمآ طعاماً ذاغصه و عذاباً الیما)<sup>۶۱</sup> یعنی نزد ما است قیدهای بزرگی که باز شدنی نیست و آتش بزرگی و خوراک گلوگیری و شکنجه دردناکی است.

و از حضرت باقر (ع) منقولست که درخت زقوم از قعر جهنم بیرون می آید و میوه و برگ و خار آن از آتش است و از سیر تلخ تر و از مردار گندیده تر و از آهن سخت تر است.

از جمله طعام های جهنم غسلین است (ولا طعام الا من غسلین)<sup>۶۲</sup> و در مجمع البحرین گوید از آن چه از شکم دوزخیان بیرون می آید پس از خوردن زقوم همان دوباره خوراکشان می شود و از آن جمله ضریع است و مروی است که آن چیزی است شبیه خار از حنظل تلخ تر از لاشه بدبوتر و از آتش سوزنده تر است.

---

سوره ی ۲۲ ، آیه ی ۱۹ .

سوره ی ۷۳ ، آیه ی ۱۲ و ۱۳ .

سوره ی ۶۹ ، آیه ی ۳۶ .

دیگر صدید است که (ویسقی من ماء صدید)<sup>۶۳</sup> و آن چرک و خونی است که از عورت زناکاران در جهنم خارج می شود.

دیگر غسان است (الاحمیماص و غساقاً)<sup>۶۴</sup> و بعضی مفسرین فرموده اند که آن چمسه ای در دوزخ است که سم های حیوانات سمی در آن جاری است.

لباس جهنمیان<sup>۶۵</sup>

(قطعت لهم ثياب من نار)<sup>۶۶</sup>

برای کفار جامه هایی از آتش بریده شده و مهیا گردیده است و منقولست که جامه ای از مس گذاخته شده می سازند.

(سوابیله من قطران و تغشی وجوههم النار)<sup>۶۷</sup> یعنی لباس های ایشان از قطران است و می پوشانند رویهایشان را آتش و قطران چیزی است که سیاه و بدبو که بیشتر چرب دار می ماند که او را با پوست می سوزانند و نیز به آتش زود مشغول می گردد.

مروی است که اگر جامه ای از جامه های جهنم را بین آسمان و زمین دنیا آویزان سازند تمام اهل زمین از بوی گند و حرارتش خواهند مرد.

روی سیاه- غل و زنجیز<sup>۶۸</sup>

---

سوره ی ۱۴، آیه ی ۱۶.

سوره ی ۷۸، آیه ی ۲۵.

کتاب معاد آیت الله دستغیب، ص ۱۵۱.

سوره ی ۲۲، آیه ی ۱۹.

- سوره ی ۱۴، آیه ی ۵۰.

کتاب معاد آیت الله دستغیب، ص ۱۵۲.

(يعرف المجرمون بسماهم فيؤخذ بالنواصي و الاقدم)<sup>٦٩</sup>

گنهکاران به سیماهایشان شناخته می شوند که کبودی چشم و سیاهی روی نشانه آن ها است آنگاه به موهای جلوی سر و به قدم ها گرفته شوند. یعنی گاهی با موی سر و دفعه ای با پا به دوزخ کشانده می شوند. یا اینکه گروهی را با موی پیشانی و گروهی دیگر را با پاها به آتش می کشند.

(اذ الاغلال فی اعناقهم و السلاسل یسحبون فی الحمیم ثم فی النار یسجرون)<sup>٧٠</sup> یعنی زمانی که غلها در گردنهایشان است با زنجیر ها کشانیده می شوند و در حمیم سپس در آتش برافروخته می شوند (تری الذین کذبوا علی الله و جوههم مسوده)<sup>٧١</sup> یعنی می بینی کسانی را که به خدا دروغ گفتند روهایشان سیاه است.

(تلفع و جوههم النار و هم فیها کالحن)<sup>٧٢</sup> آتش روهایشان را می سوزاند و ایشان زشت رویانند یعنی مانند کله گوسفند بریان شده دندانها نمایان و لبها آویزان است.

موکلین جهنم<sup>٧٣</sup>

(علیها ملائکه غلافد شداد لا یعصون الله ما امرهم)<sup>٧٤</sup>

---

- سوره ی ٥٥ ، آیه ی ٤١ .

سوره ی ٤٠ ، آیه ی ٧١ و ٧٢ .

سوره ی ٣٩ ، آیه ی ٦٠ .

- سوره ی ٢٣ ، آیه ی ١٠٤ .

از کتاب معاد آیت الله دستغیب ص ١٥٢ ، ص ١٥٣ .

یعنی بر آتش جهنم ملائکه هایی که غلیظ و شدیدند و رحمی بر جهنمیان ندارند و مخالفت نمی کنند خدای را در آن چه عذاب جهنمیان مامورند.

(ولهم مقامع من حدید)<sup>۷۵</sup>

بدست خزنه جهنم گرزهای آهنین است که بر سر جهنمیان می کوبند هر وقت که بخواهند از جهنم فرار کنند و در وزن آن رسیده که اگر جن و انس جمع شوند یک مقمعه جهنم را نتوانند بلند کنند.

و مروری است که دو چشم موکلین دوزخ مثل برق جهنده است و نیشهای آنها مانند بلندیهای کوهها است آتش از دهان آن ها خارج می شود ما بین دو کتف آن ها یکسال راه است و می توانند بیکدست هفتاد نفر را بلند کرده در آتش اندازند.

فوق بن کمال از حضرت پیغمبر(ص) نقل کرده که مراد از ذراع ذراع فرشتگان است و هر ذراع هفتاد باع است و هر باعی بقدر مسافتی که در میان کوفه و مکه است و از کعب الاخبار مروی است که اگر همه آهنی که در دنیا است جمع کنند بوزن یک حلقه او نشود و اگر حلقه از آن حلقه ها رابر کوههای عالم نهند چون ارزیزیگداز و از سویده روایت است که همه اهل دوزخ در آن سلسله باشد و در روایت آمده که بر هر دری از درهای دوزخ سی هزار شهر است از آتش و درهر شهری هفتاد هزار سراپرده است از آتش و در هر سراپرده هزار گنبد و در هر گنبدی هفتاد هزار حجره و درهر حجره هفتاد هزار کژدم و هر کژدمی را هفتاد هزار دم و هر دمی هفتاد هزاربند است و درهر بندی هفتاد هزار سوپر از زهر و به هر دری هفتاد هزار فرشته است که آتش میافروزند و در نجوی موسی آورده که حق تعالی خطاب کرد که ای موسی بدانکه دوزخ را هفت طبقه آفریدم هر طبقه را هزار وادیست از آتش و در هر وادی هفتاد هزار شهر است و در هر شهری هفتاد هزار کوشک و در هر کوشکی هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار تابوت از آتش و درازای هر تابوت و پهنای آن هفت بار چندین دنیا و در هر تابوتی هفتاد هزار کژدم است و هفتاد هزار مار و هر کژدمی و ماری به بزرگی کوه طور است. ای موسی مشرکان و منافقان و غافلان و بخیلان و ریاکاران و خوردندگان خمر و ربا و سخن چینان را جمع کنند و در آن درآورند و مسلط گردانند برایشان ماران و کژدمان را تا بدانند که کتابهای من و پیغمبران بر حق بودند.

از حضرت رسول (ص) مروی است که در دوزخ وادیست بدان گرمی که هر روز هفتاد هزار بار اهل دوزخ از گرمی آن به فریاد آیند و در آن وادی خانه است و در آن خانه چاهی است و در آن چاه تابوتیست و در آن ماری است از آتش که او هزار سر دارد و در هر سری هزار دهان و در هر دهانی هزار دندان و هر دندانی هزارگزا است صحابه پرسیدند که آن جایگاه کدام طایفه است فرمود جای خمرخوار و حق تعالی می فرماید (و فی سموم و حمیم)<sup>۷۶</sup> یعنی در بادی که نهایت گرمی و در آب گرمکه در حرارت متنهائی نباشد (وظل من یحموم)<sup>۷۷</sup> یعنی باشد در سایه دودی که در غایت سیاهی باشد.<sup>۷۸</sup>

---



جبرئیل در شب معراج بحضرت رسول خبر داده که بر هر دری از درهای بهشت چهار کلمه نوشته است باز خبر داد که بر هر دری از درهای جهنم سه کلمه نوشته و هر یک از آن بهتر است از دنیا و ما فیها آن چه در درهای بهشت نوشته مذکور شد اما آنچه در دوزخ نوشته شده

پس بر در اول نوشته شده: (لعن الله الكاذبین).

و بر در دوم نوشته: (من رجا بالله سعد و من خاف الله امن الهلاك المغرور من رجي سوي الله و خاف غيره)

و بر درسیم نوشته (من اراد ان لا يكون عدينا في القيمه فليلبس الجلد العاريه في الدنيا و من اراد ان لا يكون جائعه في القيمه فليطعم البطون الجائعه في الدنيا و من اراد ان لا يكون عطشاناً في القيمه فليسق العطشان في الدنيا) یعنی هر که خواهد برهنه نباشد در قیامت پس باید که بپوشاند پوستهای عریانرا در دنیا و هر که خواهد گرسنه نشود در قیامت پس باید که سیر گرداند شکمهای گرسنه را در دنیا و هر که خواهد تشنه نباشد در قیامت پس باید که سیراب کند تشنگان را در دنیا.

بر در چهارم نوشته (اذل الله من اهان الاسلام و المسلمین اذل الله من اهان عتره رسول الله (ص) اذل الله من اعان الظالمین علی ظالم المخلوقین) یعنی خدا ذلیل گرداند آنکس را که اهانت رساند اسلام را و مسلمانان را و ذلیل کند خدایتعالی آنکس را که

اهانت ذریه پیغمبر را و ذلیل گرداند خدا آن کس که اعانت و یاری کرده ظالمین را بر ظلم کردن خلایق.

و بر در پنجم نوشته (لاتتبع الهوی فان الهوی یجانب الایمان و لا تنطق قیما لا ینفعک فیسقط من نظر ربک و لا تکن عوناً للظالمین فان الجنه لم یخلق للظالمین)

یعنی متابعت هوای نفس مکن بدرستی که هوای نفس ایمان را ادور گرداند و حرف مزین در آن چیزی که به تو نفع ندهد پس بیفتی از نظر پروردگار خود و مباش تو معین و یاری کننده ظالمان بدرستی که جنت آفریده نشده برای ظالمین.

و به در ششم نوشته (انا حرام من المجتهدین وانا حرام من الصائمین وانا حرام من المتصدقین) یعنی من حرام بر تهجدکنندگان یعنی نماز شب گذران و من حرامم بر روزه داران و من حرامم بر تصدیق کنندگان و راست گویندگان.

و بر در هفتم نوشته (حاسبوا قبل ان تحاسبوا و زاجرو انفسکم قبل ان تزاجوا و اوادعوا الله عزوجل قبل ان تردو علیه و لاتقد روا علی ذلک) یعنی محاسبه نفسهای خود کنید پیش از آن که حساب کشند از شما و زجر منع کنید نفسهای خود را قبل از آن که زجر کنند شما را و بخواهید پروردگار خود را قبل از آن که وارد شوید بر او و قادر نباشید برخواندن او سبحانه<sup>۷۹</sup>.

---

۷۹. نباشید برخواندن او سبحانه.

## «عذابهای روحانی»<sup>۸۰</sup>

برای دوزخیان علاوه بر شکنجه های جسمانی عذابهای روحانی است از آن جمله تذکر به این موضوع که این جا همیشه خواهند ماند و نجاتی برای ایشان نخواهد بود. که این سخت ترین عذابهای دوزخیان است و شکی نیست که کفار منافقین که جهت برایشان تمام شده باشد و بی ایمان مرده باشد در عذاب جهنم همیشگی نخواهند بود. چنانچه در سوره البینه می فرماید (ان الذین کفروا من اهل الکتاب والمشرکین فی نارجنم خالدین فیها)<sup>۸۱</sup> و در جای دیگر می فرماید (ذالک جزاء اعداء الله النار لهم فیها ادلخلد)<sup>۸۲</sup> پس جزای دشمنان خدا آتش است و جای همیشگی ایشان است. بلکه بیرون آمدن نشان را از آتش دوزخ تشبیه به محال فرموده در آن جا که می فرماید (ولایدخلون الجنة حتی لیج الجمال فی سم الخیاط)<sup>۸۳</sup> داخل نخواهند شد. ایشان در بهشت تا اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد.

---

کتاب معاد آیت الله دستغیب از ص ۱۵۵.

سوره ی ۹۸، آیه ی ۶.

سوره ی ۷، آیه ی ۴۰.

سوره ی ۳، آیه ی ۷۷.

یعنی چنان چه در این امر محال است پس دخول کفار در بهشت هم محال خواهد بود و اخبار وارده در مقام بسیار است و کسی که ذره ای ایمان بر قلبش باشد همیشه در جهنم نخواهند ماد.

دیگر از عذابهای روحانیه این است که متوجه می شود. از الطاف و رحمت های بی پایان حضرت آفریدگار محروم مانده است بعلاوه مورد غضب و بی اعتنائی خدا است. چنان چه می فرماید (کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحبوبون)<sup>۸۴</sup> جز این نیست که ایشان از پروردگار خود در حجابند یعنی از رحمت و احسان و ثوابهای الهی محروم خواهند بود و در جای دیگر می فرماید (ایشانرا جزای نیکی در آخرت نیست و خداوند با ایشان سخن نمی فرماید و نظر رحمت و شفقت به آن ها نمی کند)<sup>۸۵</sup> از آن جمله است حسرت و هم و غمهایی که بر آن ها وارد می شود که اگر در دوزخ مرگ بود هر روزی مدتی داشتند از شدت اندوه که خدای تعالی می فرماید (نشان می دهد پروردگار عملهایشان را که اسباب اندود بر آن ها است)<sup>۸۶</sup> و در جای دیگر می فرماید «روزی که ظالم دو دست خود را با دندانهایش می جود و می گوید ای کاهش با فرستاده خدا راهی تحصیل کرده بودم»<sup>۸۷</sup>

---

سوره ی ۶۳ ، آیه ی ۱۵ .

سوره ی ۳ ، آیه ی ۷۷ .

سوره ی ۲ ، آیه ی ۱۶۷ .

سوره ی ۲۵ ، آیه ی ۲۷ .

و از حضرت صادق (ع) مروی است که پس از استقرار بهشتیان در بهشت و دوزخیان در جهنم روزنه‌هی بین دوزخ و بهشت باز می‌شود و منادی ندا می‌کند ای بهشتیان منازل جهنمیان را ببینید اگر مخالف خداوند را ننموده بودید در این منازل جای شما بود و بعد می‌گوید ای جهنمیان منزلی که در بهشت است ببینید اگر اطاعت خداوند را ننموده بودید جای شما اینجا بود پس چنان اندوه و حسرت عارفشان می‌شود که اگر مردن میسر بود می‌مردند.

از آن جمله انواع سرزنش‌ها و توبیخ‌ها و سخری‌ها که از طرف خداوند عالم و ملائکه و بهشتیان و شیاطین به آن‌ها وارد می‌شود چنانچه خداوند به آن‌ها می‌فرماید: گوید بلی بر ضرر خود شاهدیم.<sup>۸۸</sup>

و باز می‌فرماید آیا شمار را در دنیا مهلت ندایم به مقداری که بتوانید با خبر و متذکر شوید و آمد شما را ترساننده از چنین روزی پس بچشید عذاب را که برای ظالمین یاری‌کننده‌ای نیست.

و امثال این قسم خطابات زیاد است. خزنه جهنم هم سرزنش‌کنند که در قرآن مجید می‌فرماید (هرگاه انداخته شود فوجی و دسته‌ای در جهنم، خزنه جهنم از آن‌ها می‌پرسند آیا شما را ترساننده نیامد؟ گویند آری آمد لکن ما آنها را تکذیب نمودیم و گفتیم شما در گمراهی بزرگی هستید و گویند اگر ما اهل شنیدن حق و تعقل و فهم

نبودیم هیچگاه جهنمی نمی شدیم پس خود نشان اقرار به گناه خود کنند)<sup>۸۹</sup> شیاطین هم آن ها را سرزنش می کنند و مروی است که دوزخیان از ترس اینکه مبتلا به شماتت ایشان نشوند کمتر از شدت عذابها ناله می کنند و در آیه شریفه می فرماید (و شیطان به دوزخیان تمام شدن کار و قرار گرفتن آن ها در آتش گوید جز این نیست که خداوند به شما وعده حقی داد و من هم وعده دروغی من به شما قدرتی نداشتم جز اینکه وسوسه نمودم و شما بسوء اختیار خود وعده دروغی مرا اجابت نمودید پس مرا ملامت نکنید بلکه خودتان را ملامت کنید امروز نه من از شما فریادرسی می توانم بکنم نه شما از من. امروز من از شما بیزارم از اینکه مرا دردنیا شریک خداوند قرار دادید جز این نیست که برای ستم کاران شکنجه دردناکی است)<sup>۹۰</sup>

بهشتیان هم آن ها را سرزنش می کنند: «بهشتیان دوزخیان را ندا کنند و گویند آن چه را که پروردگارتان وعده داده از عذاب ها یافتید گویند بلی رسیدیم به آن عذاب ها پس منادی ندا کنند و در بین ایشان که لعنت خدا بر ستمکاران است.<sup>۹۱</sup>

از جمله عذابهای روحانیه مصاحبت با شیاطین و سایر دوزخیان است بهمان اندازه که بهشتیان با یکدیگر انس دارند و از ملاقات یکدیگر لذت می برند دوزخیان با یکدیگر

---

سوره ی ۶۷، آیه ی ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱.

سوره ی ۱۴، آیه ی ۲۲.

- سوره ی ۷، آیه ی ۴۳.

دشمنند و نهایت تناکر و نتافر بین آن ها است و این معنی در قرآن مجید تذکر داده شده آن جا که می فرماید<sup>۹۲</sup>.

(کسانی که در دنیا دوست بودند در آن روز دشمن یکدیگر خواهند بود مگر پرهیزگاری از اهل ایمان که در قیامت هم مثل دنیا دوست یکدیگرند)<sup>۹۳</sup>

مروی است که چون پیشوایان گمراهی را در دوزخ اندازند پشت سرشان اتباعشان را به آن ها ملحق نمایند پس می پرسند. این ها کیستند «خزند جهنم گویند این ها گروهی هستند که بر رنج و سختی در دوزخ اندازند پشت سرشان اتباعشان را به ان ها ملحق نمایند پس می پرسند این ها کیستند» خزند جهنم گویند این ها گروهی هستند که برنج و سختی در دوزخ با شما در آن پس به آن ها گویند هیچ مرحبانه اینها مباد ایشان بدوزخ در آیندگانند پس اتباع گویند بلکه شما را مرحبا مباد شما سبب این عذاب برای ما شدید پس دوزخ به قرار گاهی است گویند پرورگار را هر که سبب این عذاب برای ما شد پس دو چندان فرما عذابش را برای گمراهی خود و دیگران آن چه نقل شد از احوال و گفته های دوزخیان هرآید راست است و آن جدال و نزاع کردن اهل آتش با یکدیگر<sup>۹۴</sup>

---

سوره ی ۴۳ ، آیه ی ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸  
سوره ی ۴۳ ، آیه ی ۶۷ .  
سوره ی ۳۸ ، آیه ی ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱ و ۶۴ .